

بزهکاری نوجوانان

ترجمه متن سخنرانی که در تاریخ سی ام فروردین ۱۳۴۴ در کنفرانس بین المللی تحقیقات علمی درباره اطفال ناسازگار و جرائم نوجوانان در باشگاه دانشگاه تهران بزبان فرانسه ایراد گردیده است .

تعریف-علل-پیشگیری-درمان-ملاحظات چند در اجتماع ایران

عبارت بزهکاری نوجوانان را مرادف La délinquance juvénile قرار داده ایم مفهوم هر چه باشد بالاخره اصطلاحی است از نظر قضائی و اجتماعی آنچه مسلم است ناسازگاری در اجتماع است که در سر منشاء و در اساس پدیده های روانی ارتکاب بخلاف و جنحه و جرم در بین اطفال و نوجوانان میباشد. گرچه هر ناسازگاری را در جامعه نمی توان بزهکار شمرد و بطریق اولی بزهکارانی نیز وجود دارند که هرگز سر ناسازگاری با اجتماع نداشته اند .

در هر حال توجه به پدیده ناسازگاریست که ما را وادار میکند تا در بادی امر بررسی خود را از این نقطه نظر آغاز نمائیم .

در عصر ما نوجوانانی عاصی و منحرف پیدا شده اند که در فرانسه بنام بلوز مشکی ها و در انگلستان بعنوان «تدی بویها» و در ایتالیا زیر اسم «ویتلونی» و یا آنچه نکه در آمریکا معروفست «تین ایچرها» و الخ ... از هر دو جنس پسر و دختر در برابر نظم و مقررات اجتماع سرکشی و تمرد نشان میدهند و لگردد بار می آیند باندهائی تشکیل میدهند که خوی پر خاشجویی و تجاوزکاریشان تا سر حد سادیسم و بدرجه ارتکاب دزدی و جنایت و حتی شدیدترین مراتب جرم و جنحه و یا قتل نفس پیش میرود اکنون

دیگر هر کشور و هر اجتماعی کم و بیش گرفتار این بلای خانمانسوز گشته است. این مجرمین و این خطاکاران و منحرفین جوامع بشری کیستند منشاء این گرفتاریها چیست و بالاخره در برابر آن چه راه چاره و درمان را باید برگزید؟ در بررسی این پدیده اجتماعی برخی دانشمندان آنرا از جهت ساختمان بدنی و علل درونی و زیست‌شناسی دیده‌اند و پاره‌ای نیز کیفیت ظهور آنرا نتیجه عوامل بیرونی و اجتماعی دانسته‌اند چنانکه علم همیشه بصورت کلاسیک این مسئله را مطرح ساخته است که آیا جانی بالفطره وجود دارد و یا بزهار و جنایتکاران فقدان تربیت صحیح بوجود می‌آورد. بعبارت اخری مانند هر موضوع روان‌شناسی و تربیتی آیا سرشت و فطرت نقش اساسی را در ظهور آن داشته است و یا عوامل محیط در چنین اوضاع و احوالی مقدم بر همه مؤثر واقع گردیده‌اند؟ از سوی دیگر میدان بررسیها مانند عرصه سایر علوم و معارف بشری بنوبه خود از نظریات آشتی دهنده خالی نبوده است و چه بسا علمائی که خواسته‌اند بین دو نظر تلفیق بعمل آورند و نقش هر دودسته عوامل و یا همکاری آنها را مشخص سازند.

اما آیا بهتر نیست بجای اینکه بگوئیم چنین پدیده‌ای علت صرفاً جسمانی و یاروانی محض دارد از خود سؤال کنیم تاچه حد جنبه روانی و تاچه مقیاس حالت جسمانی در تکوین و پیشرفت آن تأثیر گذارده‌اند. پیدایش هر رفتاری را نزد آدمی باید از نظر گاه‌چندی بودن عوامل مورد بررسی قرارداد و گمان میرود دانش‌امروزی بیش از هر روش دیگر آنرا ارزیابی کرده و قدر شناخته است.

کشت هر نهالی را زمین مساعد لازم است و آن زمین هر موادی را در خود داشته باشد سرانجام از بقایای ارگانیک تمام گیاهان بیشتر کاشته اشباع گردیده‌است. چنین است ثمره و پرورش آن نهال که ساخته و پرداخته بندر اصلی و نطقه اولیه و مهم‌تر از همه اقلیم و شرایط جوی و خارجی محیط بر آن خواهد بود و باز چنین است زمینه بیولوژیکی هر فرد انسانی که نه تنها ترکیبی از کیفیات ارثی و مادرزاد است که

باخود آورده است بلکه مجموعه‌ای از تأثیرات و نفوذ مادی و روانی و فعل و انفعالات بدنی طول حیاتش ترکیب آنرا ساخته و بوجود آورده‌اند مفهوم ساختمان فردی یا Constitution بدینگونه از دائره محدود عوالم ارثی خارج می‌شود و درك تأثیرات متقابل محیط خارج و هکذا نفوذ رسوبات محیط دیروزی را نیز باخود دارد.

هر گاه بگوئیم پیدایش ناسازگاری اجتماعی وابسته بنظفه اولیه از یکطرف و عوامل محرك و مؤثر خارجی از جانب دیگر می‌باشد گمان نمی‌رود که از حدود فکر منطقی گام فراتر نهاده‌ام.

كودك شیرخوار اصولاً موجودیست که بدنبال لذات بوده و از هر چه رنج و تعب را بدنبال داشته باشد گریزان است دستگاه عصبی او هنوز کامل نشده و بصورت طبیعی انجام وظیفه نمیکند طفل کور کورانه و تحت فشار برهم خوردن تعادل ارکانیک که همانا احتیاجات بیولوژیکی است رفتار میکند ناراحتی او ناشی از يك نیاززیستی و باز یافتن آسایشش دربر آوردن آنست در نخستین ماههای زندگی این مکانیسم ابتدائی و تقریباً خودکار که ترکیبی از کشاکش و باز یافتن تعادل است پیچیده‌تر میگردد و تکامل تدریجی دستگاههای احساسی و ادراک و رشد و گسترش حافظه و تکلم و غیر آنها در آن مؤثر واقع میگردد و از مجموع آنها وسیله ارتباط و ایجادعلائق فرد انسانی با اجتماع و یا بعبارت اخری هسته و کانون سازگاری با محیط اجتماعی بوجود می‌آید که در زبان فلسفی آنرا Conscience و بیان روانشناسی شخصیت یا le moi = Ich خواهیم خواند.

حداقل گسترش و تعالی و رشد و توسعه توانائیهای وابسته باین کانون که مقرّر آگاهی از خویشتن و نفس انسانی است بمنزله نخستین ابزار شایسته و دائمی درسازگاری بامقتضیات اجتماعی بشمار میرود چنین است استعداد برقراری علائق انفعالی و عقلانی بادیدگر افراد انسانی که لازمه آنها اجتماعی گردیدن تدریجی اندیشه‌ها و احساسات شخصی و پرورش حس احترام متقابل و تبادل علاقه و عقیده با سایر انسانهای يك جامعه

می‌باشد این ارتباط منطقی هر گاه سیر و جریان عادی داشته باشد تشکیل و استقرار يك فراخود یا Uberich = Surmoi طبیعی را نزد كودك سبب خواهد شد و در نتیجه حد و سدی برای رعایت مقررات اخلاقی و اجتماعی در وی بوجود خواهد آورد. لیکن همه این کیفیات بی تربیت صحیح خانوادگی و پرورش در دامن مادری تحقق پیدا نتوانند کرد. آنچه در اجاق خانواده يك كودك بارث میرسد و آنگاه در دامن مادر در تربیت احساسات و حرکات و رفتار وی مخصوصاً در روابط و علائق انفعالی میان آندو در ضمیرش بودیعه گذارده میشود راه اصلی سر نوشت آینده و فردا ترسیم میکند و سازنده نقطه نظر آتی وی در برابر اجتماع میگردد هر گاه كودك از مادر جدا ماند پرورش جسمانی او رو بزوال میرود و حس پذیرش و دستورات اخلاقی و قیود اجتماعی در وی کشته میشود و کودکی تجاوزکار و عاصی در برابر محرومیت از مهر و محبت خانوادگی بار میآید و همه اینها بر اساس احساس عدم تأمین الگوی آینده وی در روابطش با افراد دیگر با اجتماع خواهد بود بدینگونه است توجیه علل بیولوژیکی و روانی که در قدم اول باعث پرورش ناسالمی نزد اطفالی میگردد تا پیش از آنکه بزرگسالی قدم گزارند بجای دانش آموزی و بهره گیری از امکانات تربیتی در زمره اخلال گران نظم اجتماعی و بزهاران قرار میگیرند. ارتکاب بجرم زاده نوعی احتیاج اجباری در آنها است.

اما در زمینه عوامل اجتماعی باید گفت که متأسفانه ارتکاب بجرم و جنحه در میان نوجوانان و اطفال از جهت علل اجتماعی و معروض بودن بشرائط نامساعد و عوامل محیطی بسیار زیاد است اینها قربانان اوضاع و شرایط ناکامی و حرمان هستند افرادی میباشند که شخصیت و اراده شان هنوز آن استحکام و مقاومت در برابر شدائد را بخود نشناخته است.

این بزهاران را فی الواقع باید «مجرمین عادی» خواند زیرا عوامل سرشتی غیرطبیعی در ناسازگاری آنها با اجتماع مداخله نداشته است بطور کلی هر وقت که

زندگی اجتماعی حالت ثبات را داشته و در سطح عالی باشد از تعداد این بزهکاران عادی کاسته میشود اما چنانکه در کشوری انتظام امور بهم خورد جنگ پیش آمد کرد و یا انقلاباتی رخداد شماره آنها افزایش مسلمی را نشان میدهد لیکن فراموش نکنیم که برای آنکه عوامل اجتماعی چنین متخلفین و مجرمیانی را بوجود آورند بایستی از خلال یکرشته جریانات روانی بگذرند و بعبارت روشن تر باهمدستی عامل یا عوامل روانی متعلق بخود فرد بانجام مقصود نائل آیند. برحسب آنکه حالت روانی يك فرد چگونه باشد و ساختمان بدنی و احوال گذشته و یا مقاومت اراده و شکنندگی آنچه کیفیتی پیدا کند هنگام برخورد با عوامل نامساعد اجتماعی خطائی درجهت خلاف تربیت و آداب اجتماع از وی بظهور خواهد پیوست. در اینجا متوجه علل و عوامل مربوط بساختمان و جسم يك فرد میشویم و در جمع بزهکاران گروهی از بیماران مبتلا بامراض دماغی را مشخص می سازیم که اصولا رفتار ناشی از ساختمان جسمانی و مغزیشان منش و خاصیت غیر اجتماعی خود را بوضوح نشان میدهد و انتقال ارثی آن زمینه و آمادگی قبلی در بار آمدن یک فرد مجرم میباشد.

تعداد امثال آن نیز در میان بزهکاران هر گز محدود و معدود نبوده است. ذکر انواع دیگر اختلالات روانی نیز در این زمینه افاده معنی تواند کرد چنانکه خروج از دنیای واقعیات یا Schizophrénie و برهم خوردگی و از هم پاشیدگی عمیق در کل شخصیت یا نابسامانی ارتباط متقابل تمایلات غریزی و نفس انسانی و فراخود انحراف نونپالان را باشکال و صور مختلف باعث خواهد گشت.

اکنون بعوامل اجتماعی در درجه دوم اهمیت متوجه می شویم از آموزش ناپسندیکه نوجوانان از سینما و رادیو و کتاب و تلویزیون فرا میگیرند و یا صرف نوشابه های الکلی می پردازند سخن میگوئیم. مجموع این محرکهای اجتماعی که با احساس و انفعالات سر و کار دارند و عقلا نیات را از دریچه تجارت و سوداگری تجت

تأثیر می‌آورند نفوذ شوم و متأسفانه مهمی را در اخلاق عمومی و بالخصوص در روحیات جوانان و اطفال برجای می‌گذارند تفریحاتی که جنبه سودجویی بخود گرفته اند عامل معین در تربیت جوانان و مددکار پرورش اخلاقیات آنان نتوانند بود و احساسات و تمایلات اخلاقی ورشد عقلی و زیبایی و انفعالی و عاطفی شانرا در مجرای صحیح و طبیعی هدایت نخواهند کرد. هم چنین اشتهار جنایت زای مصرف آلکل نیازی بتشریح ندارد.

نتیجه آنکه. بزهکاری نوجوانان پدیده ایست در آن واحد بیولوژیکی روانی و اجتماعی. آنکه می‌خواهد نظری کلی و جامع در باب علل ناسازگاری اجتماعی و یکی از نتایج آن که بزهکاری اطفال و نوجوانانست اکتساب کند از هر نقطه نظر و با التفات بجهت و جنبه‌های زیست‌شناسی و روان‌شناسی و اجتماعی آن متوجه مسئله خواهد بود گرچه هر کدام از دانشمندان متخصص در یک رشته موضوعاً تنها از نظر گاه خاص خویش دیده‌اند. لیکن ما می‌توانیم در پس عوامل و جوانب مختلف پدیده ارتکاب جنحه از جانب اطفال و نوجوانان یک عامل شاخص و مشترک برای همه حالات پیدا کنیم و آن نیز جز احساس عدم تأمین نخواهد بود که در نقطه حرکت و سرآغاز اسباب و علل دیگر قرار دارد. اعم از آنکه فرد خطا کار گرفتار بیماری جسمانی گشته است و یا در رشد و نمو دستگاہ عصبی وی بطوع و ناتوانی پیش آید و یا از معلولی خود رنج ببرد بنحوی از انحاء سر راه گسترش و تعالی پرورش شخصیت وی که ابزار تطابق و سازگاری با محیط اجتماعی و مادی خارج می‌باشد موانعی بوجود خواهد آورد و پدیده ناسازگاری و یاسازگاری ناقص مولد احساس عدم تأمین از جهت مادی یا روانی خواهد شد حال خواه شرائط اجتماعی نامساعد باشد و خواه خانواده و یا مسکن و خانه فردی نظم و ترتیبی نشناسد و یا معاشرین او بدبر گزیده شوند و یا در محیط زیست و در جامعه آشوب و انقلاباتی رخ دهد و فی الجمله عوامل روانی محض عدم هماهنگی و عدم تعادل در رشد قوای فکری و انفعالی و یا فشارهای روحی پیش آورند بالاخره

در همه حال شرایط خاصی بوجود آمده است که بنوبه خود مولد احساس عدم تأمین هستند و همینکه فردی و مخصوصاً نوجوان خود را در عدم تأمین و عدم اطمینان از وضع مادی یا اجتماعی یا روانی یا خانوادگی یافت گرفتار اضطراب و نگرانی خواهد شد و آنقدر از این تشویش درونی در خود خوری خواهد افتاد که سرانجام آمادگی آنرا پیدا خواهد کرد که بهر قیمتی که باشد وسیله رهایی از آنرا جستجو کند این وسیله رهایی و طریق نجات اغلب اوقات عبارتست از تظاهرات خوی تجاوز کاری و پر خاشگری که صور و اشکال گوناگون شدید یا ضعیف بخود میگیرد و خطائی از فرد گرفتار مسائل فکری و روانی سر میزند که بنوبه خود مولد احساس ارتکاب بجرم است و مجدداً او را گرفتار اضطراب و بهمین طور در دائره فساد و ارتکاب بجرایم دیگری میاندازد الخ ...

در درمان تربیتی نوجوانان بزهکار ایجاد کانون مخصوص تربیتی و یا عبارت بهتر تربیت مجددشان در درجه اول در تمام ممالک مورد توجه قرار گرفته است و اعلا ترین آنها در سوئد و آمریکا بوجود آمده است که يك زن و شوهر مریبی خانه‌ای را با هفت كودك تحت نظر خود بصورت شرائط فامیلی اداره میکنند و پیوسته روان-پزشکان و روان‌شناسان با آنان همکاری نزدیک دارند اعمال مقررات نیمه آزاد برای كودكان مفید واقع می‌شود و نیز توجه بوضع نوجوانان در دوره پس از ترخیص بنوبه خود در پیشگیری سقوط و انحراف مجددشان اهمیت دارد. اما هیچ چیز با اندازه توجه بشرائط اجتماعی در درمان و مخصوصاً پیشگیری این گرفتاری عصر حاضر مؤثر تر نخواهد بود. از آن جمله است تدارك وضعی که مادران بی‌نیاز از کار کردن باشند و هم خود را در تربیت طفل متمرکز سازند پارکها و وسائل بازی فراوانی در دسترس كودكان قرار گیرد شرائط مسکن و زیست مساعد و در خوری فراهم گردد و بالاخره مؤسسات تربیتی و تفریحات سالم و اجتماعات مربوط چه برای معلولین و اطفال غیر

طبیعی وجه برای همه کودکان توسعه یابد و مهم تر از همه توجه خاصی بکیفیت پرورش و آموزش در آنها معمول گردد.

در سالهای اخیر این بلای اجتماعی گاه بیگاه چهره کریه خود را در کشور ما نیز نمایان ساخته است چند سالیست که هر چند یکبار مطبوعات ما از آن بحث میکنند و صفحه حوادث روزنامهها تصاویر و شرح احوال بچه‌هائی را منعکس میسازند که مرتکب سرقت میشوند و در اثر ولگردی جرائم مختلف از آنها سر میزنند و یا آنکه خدای نکرده بقتل نفس و اعمال شنیع دست‌میزند با کمال تأسف منظره تحولات اجتماعی و پیشرفت‌ها در تمدن امروزی خواهی نخواهی مقداری از این ابتلای اجتماعی را در بطن خود همراه می‌آورد. در اثر نادانی خانواده‌ها و یا عدم استحکام اساس زناشویی و گفتگوها و طلاق و جدائیها اطفال ناسازگار زیادی توأم با تعداد فراوانی که بعقب‌ماندگی و رشدفکری و پیشرفت‌های درسی مبتلا شده‌اند بچشم‌می‌خورد و باعث نگرانی در تربیت نسل جوان اجتماع ایرانی میگردد.

مشاهده اختلال در منش و رفتار نوجوانان در زندگی روزانه امری عادی گشته است در این میان توجه بتر بیت در دوره بلوغ و مسائل جنسی اهمیتی کاملاً خاص پیدا میکند.

از یکسال و اندی پیش که پس از مطالعات تربیتی در خارج بازگشته‌ام خیلی بندرت اتفاق افتاده است که شاهد نمونه‌های فراوانی از اطفال ناسازگار یا عقب‌مانده نباشم نوجوانانی که انحرافات گوناگون پیدا کرده‌اند و یا جوانان و حتی دانشجویانی که بر اثر فقدان شرائط مساعد محیط پرورش اجتماعی و عدم راهبری صحیح تمایلات و احساسات و افکارشان در منش و خوی و یا نبودن مرجعی که مسائل زندگی فکری آنانرا رسیدگی و هدایت کند دچار رفتار و حالات غیر طبیعی و اختلالات هستند و از سلامت روانی بدور مانده‌اند در هر بر خوردی با اجتماع در برابر دیدگانمان هستند.

چه باید کرد؟

باتوجه ببررسی علمی موضوع که بکمال اختصار قناعت ورزید و با در نظر گرفتن شرایط خاص کشور ما و باتکاء مطالعات شخصی بنظر میرسد که درمورد مبارزه با این افات اجتماعی و تربیتی در جامعه ما اتخاذ تدابیری چند فوریت و ضرورت دارند که فهرست وار آنها را یاد کرده و نظر اعضاء محترم کنفرانس را بدانها مخصوصاً جلب می نماید .

۱- ایجاد و توسعه کانونهای تربیتی مخصوص اطفال ناسازگار و توأم و با استفاده از آن گسترش مطالعات و تحقیقات درباره نوجوانان بزهکار .

۲- توجه باستحکام مبانی خانواده و تربیت مستقیم فرزندان بدست مادران برای تحقق این منظور می توان سرویس بهداشت روانی را در داخل بهداشت عمومی کشور توسعه داد و بتوسط ایجاد مدارس تربیت مددکاران و پرستاران اجتماعی انجام خدمات باز بینی و هدایت مادران و خانوادهها را از جهت وجود اطفال ناسازگار تأمین نمود .

۳- ایجاد همکاری نزدیک میان متخصصین علوم تربیتی و روان شناسان از یکطرف و محاکم و مؤسسات قضائی از طرف دیگر در هنگامیکه مأمور رسیدگی و تأدیب اطفال مجرم و ناسازگار می باشند .

۴- تأسیس سرویس طبی و تربیتی Office médico-pédagogique بصورت درمانگاهی که مورد مراجعه خانوادهها و مدارس در درمان نوباوگان ناسازگار و عقب مانده و یا آنانیکه دچار اختلالات رشد فکری و ذهنی هستند قرار گیرد .

۵- تربیت و تعیین معلمین مشاور در مدارس و دانشگاهها که رسیدگی و هدایت مسائل فکری و عقدههای درونی نوجوانان را موظف خواهند بود .

۶- کنترل تربیتی مطبوعات و وسائل تفریح از قبیل سینما و نمایشها و از

- طرف دیگر وسائل بازی و گردش سالم و کتابخانه‌های خاص کودکان الخ ...
- ۷- آشنا گردانیدن معلمین ابتدائی و متوسطه با آخرین بررسیهای علمی در باب اطفال ناسازگار و مسائل مربوط بآنها بقسمی که از جهت کنترل تربیتی و تشخیص در چنین مواردی مجهز و موظف گردند .
- ۸- توجه به تربیت جنسی در مدارس و اتخاذ شیوه‌ای مطابق معمول کشورهای راقیه بقسمی که کودکان و نوجوانان را که بسن بلوغ میرسند در شناسائی مسائل جنسی وسیر طبیعی وبدون انحراف هدایت کند .

پایان